

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده ادبیات ، گروه الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش ادیان و عرفان

عنوان :

وحدت وجود از دیدگاه ابن عربی و اسپینوزا

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر عبدالرضا مظاهری

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر انشاء... رحمتی

پژوهشگر :

علی محمدی (آب قلعه)

تابستان ۱۳۸۹

بسمه تعالی

در تاریخ:

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای / خانم علی محمدی آقلعه از پایان نامه خود دفاع

نموده

و با نمره ۱۴ بحروف چهارده و با درجه خوب

مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

تقدیم به:

دختر عزیزم ماریہ

ببل از فیض گل آموخت سخن ور نه بود

این همه قول و غزل تعیبه در مفاشرش

تشکر و قدردانی

سپاسگزاری از زحمات و راهنمایی های بی دریغ استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر مظاهری که زحمت بازبینی علمی این مجموعه را به عهده داشتند و از طریق ایشان با اندیشه ی ابن عربی آشنایی پیدا کردم و از استاد گرامی جناب آقای دکتر رحمتی که کمک های بی دریغشان مرا به درک فلسفه اسپینوزا رهنمون ساخت.

بسمه تعالی دانشکده ادبیات و علوم انسانی ***** (این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشگاه تهیه شده است)	
کد شناسایی پایان نامه: ۱۰۱۲۰۴۰۱۸۸۱۰۰۹	نام واحد دانشگاهی: تهران مرکزی کد واحد: ۱۰۱
عنوان پایان نامه: وحدت وجود از دیدگاه ابن عربی و اسپینوزا	
تاریخ شروع پایان نامه: تاریخ اتمام پایان نامه:	نام و نام خانوادگی دانشجو: علی محمدی آب قلعه شماره دانشجویی: ۸۷۰۰۰۳۲۴۰۰ رشته تحصیلی: الهیات و معارف اسلامی – ادیان و عرفان
استاد/استادان راهنما: دکتر عبدالرضا مظاهری استاد/استادان مشاور: دکتر انشاء... رحمتی	
آدرس و شماره تلفن:	
<p style="text-align: center;">چکیده پایان نامه (شامل خلاصه، اهداف، روش های اجرا و نتایج به دست آمده):</p> <p>در عرفان ابن عربی خدا در مرتبه ی احدیت غیر قابل شناخت است ولی در فلسفه ی اسپینوزا خدا قابل شناخت است. در وحدت وجود اسپینوزا خدا همان طبیعت است و جهان واقعیتش را می پذیرد ولی ابن عربی جهان را خیال اندر خیال می داند. در فلسفه ی اسپینوزا جهان بی هدف آفریده شده، وجود جهان لازمه ضروری خداوند است ولی در عرفان ابن عربی خدا جهان را خلق کرد تا شناخته شود. جهان و آفرینش آن دارای هدفی است. در عرفان ابن عربی خدا متعالی است و به این دلیل معادل پانته ایزم نیست بلکه باید وحدت وجود ابن عربی را وحدت متعالی وجود نامید وحدت وجود اسپینوزا معادل تئیسیم و پانن تئیسیم نیست چون خدا نزد اسپینوزا نه متعالی است و نه به عالم غیب ایمان دارد بلکه باید آن را وحدت جوهری نامید و در پایان باید گفت که وحدت متعالی وجود ابن عربی و وحدت جوهری اسپینوزا از یک سنخ نیستند. ولی برای انسان این دو، دو بال برای رسیدن به سعادتند.</p>	

تاریخ و امضاء:

مناسب است
مناسب نیست

نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهش نامه دانشگاه

Abstract

In Ibn-Arabic Gnosticism , God is in the position of Unity and thus can not be known. But in Spinoza philosophy, God can be known. In both point of views, God can be known through Names and Attributes which are the same as God's nature. In Spinoza's theory of Pantheism, God is the same as nature and the Universe accepts its reality. Ibn_Arabi looks as the Universe as imaginary but he does not think of it as all futile. In Spinoza's Theory the Universe is created aimlessly and it is a necessity fore God's being. But in Ibn-Arabi's Gnosticism, God created the Universe so that He, Himself can be Known . The Universe and all creation has a destination. It can be said that in Ibn-Arabi's Gnosticism, God is exalted and thus it is not equivalent to Pantheism. Rather it should be called "Exalted Unity of Being."

Spinoza's philosophy is also not equivalent to Pantheism or Theism, since to him God is neither exalted nor heavenly. Thus this philosophy can be called "Essential Unity".

At the end we can say that Ibn-Arabi Exalted Unity of Being and Spinoza "Essential Unity" are not of a single type, But they are like two wings for human being to help him fly to prosperity.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
فصل اول : زندگی نامه ابن عربی	۵
مسیح	۶
نظام	۷
تشیع و تسنن و موافقین و مخالفین.....	۱۱
فصل دوم: پیشینه تاریخی وحدت وجود.....	۱۷
وحدت وجود در یونان و آئین های دیگر.....	۱۸
تقسیم بندی غزالی در توحید وحدت وجودی	۱۹
بررسی ریشه های وحدت وجود بین عارفان مسلمان	۲۰
بررسی ریشه های وحدت وجود در فلسفه و عرفان یهودی	۲۲
فصل سوم: وحدت وجود از دیدگاه ابن عربی	۲۶
وحدت وجود ابن عربی همان توحید خواص	۲۸
وحدت وجود و موجود -وحدت وجود و کثرت موجود	۲۹
با یزید و حلاج وحدت شهودی اند نه ابن عربی	۳۱
رابطه حق و خلق در وحدت وجود ابن عربی	۳۷
رابطه دیدگاه وحدت وجودی ابن عربی با فلسفه	۳۸
تمثیل آینه و آتش و رابطه آن با وحدت وجود	۴۱
کثرت وجود و کثرت موجود و رابطه آن با توحید	۴۲
سایه بودن جهان در وحدت وجود ابن عربی	۴۳
جوهر فاعل و منفعل در وحدت وجود ابن عربی	۴۵

- ۴۶ رابطه اسماء الهی و وحدت وجود ابن عربی
- ۴۹ رابطه فص عیسوی و وحدت وجود
- ۵۱ رابطه وحدت وجود با احدیت و واحدیت
- ۵۴ رابطه وحدت وجود با اسم اول و آخر و ظاهر و باطن
- ۵۶ رابطه وحدت وجود با تنزیه و تشبیه خدا
- ۶۶ رابطه وحدت وجود ابن عربی با توحید
- ۷۲ وحدت وجود در فص عیسوی
- ۷۸ وحدت وجود و موجود
- ۸۰ اشکالات و پاسخ آنها بر وحدت وجود
- ۸۳ خیال نزد ابن عربی
- ۸۵ فصل چهارم : زندگی نامه اسپینوزا
- ۸۶ عاشق شدن اسپینوزا همانند داستان نظام و ابی عربی
- ۸۷ قوه خیال در پیامبران و عقل در فلاسفه
- ۸۸ اهمیت نقش عیسی در تفکر اسپینوزا و شباهت آن به عیسی نزد ابن عربی
- ۹۰ آثار اسپینوزا
- ۹۲ فصل پنجم : وحدت وجود از دیدگاه اسپینوزا
- ۹۵ جوهر همان خدا
- ۹۵ طبیعت خلاق و مخلوق
- ۹۶ صفت و حالت
- ۹۶ ویژگی های جوهر
- ۹۸ وحدت وجود در نظر اسپینوزا
- ۱۰۳ شهود عقلانی اسپینوزا در وحدت وجود

۱۰۴	خدا از دیدگاه اسپینوزا
۱۱۱	رابطه شرور و نواقص در وحدت وجود اسپینوزا
۱۱۲	معرفت شهودی در وحدت وجود اسپینوزا
۱۱۲	عشق عقلانی به خداوند
۱۱۳	شناخت خداوند سعادت بخش است
۱۱۷	نظر اسپینوزا در باب نفس
۱۱۸	اعتقاد به نوعی جبرگرایی در اندیشه اسپینوزا
۱۲۰	خداوند نامتناهی است
۱۲۰	خیال نزد اسپینوزا
۱۲۲	فصل ششم: مقایسه وحدت وجود از دیدگاه ابن عربی و اسپینوزا
۱۲۳	در باب تقابل عشق و عقل
۱۲۵	قابل شناخت بودن خدا در فلسفه اسپینوزا و غیرقابل شناخت بودن آن در عرفان ابن عربی
۱۲۶	جوهر فاعل و منفعل در وحدت وجود اسپینوزا و ابن عربی
۱۲۷	برهانی بودن مساله وحدت وجود
۱۲۹	اعتقاد به جبر در وحدت وجود ابن عربی و اسپینوزا
۱۳۰	وحدت متعالی وجود نزد ابن عربی و وحدت جوهری نزد اسپینوزا
۱۳۱	فصل هفتم: نتیجه
۱۳۴	منابع

مقدمه:

وحدت وجود نظریه ایست که از دیرباز در بیشتر مکتب‌های عرفانی و فلسفی در ادیان دیگر مطرح شده و با تقریرات گوناگون در صدد تعیین رابطه خدا با جهان هستی است. در یک تقریر ساده وحدت وجود رابطه میان خدا و جهان را یکسانی و همسانی می‌داند، در تعبیرات اوپانیشادها با گزاره -آن تو هستی- بیان شده و همواره براتی (نفس جزئی) و بر همین (خدا-نفسی کلی) تاکید شده است. برهمن یگانه حقیقت و حقیقت یکتاست. و حقیقت دیگری جز او وجود ندارد. جهان محسوس توهمی بیش نیست که آن با عنوان مایا (maya) تعبیر شده است گفته می‌شود که اندیشه وحدت وجود بس دیریاب و دشوار فهم است و بیشتر دیدنی و شهودی است تا گفتنی و استدلالی که بر طریقه (جنان یوگه) معرفت پای می‌فشرد نظم فلسفی - عرفانی ادویته (advta) یا عدم ثبوت را در شرح آموزه‌های اوپانیشادها پدید آورد. و همین طور در عرفان یهود قبله (هرکوه) شاهد وحدت وجود هستیم در وحدت وجود قباله‌ای موجودات متجلی می‌شوند خلق نمی‌شوند مکتب آلمانی عرفان یهود که بر عمل تاکید می‌کند مبتنی بر وحدت وجود است.

در این عرفان بر اساس نظریه صدور از برهم کنش حروف جهان خلقت ماده ایجاد می‌شود. عزرائیل تعلیم می‌داد که خداوند ان سوف، یعنی ذات بی کران و وجود لایتناهی است. چون خداوند ذات لایتناهی است هیچ چیزی نمی‌تواند خارج از او وجود داشته باشد. از این رو جهان با همه جلوه‌های گوناگونش بالقوه منطوی در ذات اوست. (یهودیت - ایستاین - بهزاد سالکی صفحه ۲۸۲) (آموزه‌های اساسی مکتب آسمانی به راز یگانگی خداوند مربوط بود همان صفحه ۲۷۸) و همین طور در مسیحیت‌ها هم شاهد و وحدت وجود هستیم. مایستراکهارت عارف آلمانی (۱۲۶۰-۱۳۲۷) اهل فرقه دومینکن او استدلال می‌کرد که چون عقل بارقه ای الهی است که به طور کامل ذات الوهیت را منعکس می‌کند الوهیت در تجربه عرفانی مراتب عقل بشر قابل دسترس است. (تجربه دینی بشر، صفحه ۱۸۲) و همچنین نظر او در باب الوهیت و خدا و اینکه جهان، عدم و لا وجود محض است همان وحدت وجود عرفانی را مطرح می‌کند (همان ص ۱۸۳) و همین طور در ادیان

چین تائویسم وحدت وجود را شاهدیم. آن مرد حکیم می‌داند که نفس او همان یکتاست به انضمام اعدادی بی‌پایان دیگر که همه در آن یکی مضمَر و مستترند. پس او و تمام مظاهر و صور طبیعت و حادثات عالم کون و وقایع دور زمانی، که همه را انسان در عالم محسوسات درک می‌کند در عالم دل و معنی یکسانند و تمیزی از یکدیگر ندارند. تولد و موت، قیام و قعود، کون و فساد در حقیقت امور تغییری نمی‌دهد.

همه از منشاء عدم متفرغ گشته، عاقبت به سرمنزل عدم باز می‌گردد. این مسیر و جریان قانون طبیعت است که سرنوشت تمام موجودات را مشخص می‌کند (جان ناس ص ۳۴۸) از جمله گرایشهایی که بشر در سیر فکری خویش طی ادوار مختلف، از خود نشان داده گرایشی است که همزه بسوی وحدت و وحدتیابی داشته و کوشیده است که از بین تجلیات مختلف و گوناگون هستی وحدتی بدست آورد و ارتباط آنها را با یکدیگر بازشناسد و این گرایش از اینجاست که وی اشیاء این جهان و محسوسات را چنان دیده که به ظاهر گوناگونند و از همدیگر انفصال و جدایی دارند، اما از دیگر سوی قابل تبدیل به یکدیگر و در خور تاثیراند و با هم سنخیت و تشابه خاصی دارند و سرانجام به این نتیجه رسیده که استقلال و جدایی چیزها از هم نمود و توهمی بیش نیست و موجودات این جهان جلوه یک چیز و مظاهر یک حقیقتند و همین وحدتگرایی است که بشر را به پژوهش در مبدأ نخستین علت موجودات و ماده اولیه اشیاء را واداشته است و کوشش او در این باره تنها به موجودات طبیعی اختصاص نیافته و علوم و معارفی را هم که تراز راه مشاهده و تجربه حاصل گردیده و موارد و موضوعاتش پراکنده است، در بر گرفته اختصاص کرده است که به این معلومات متفرق و جزئی وحدت و کلیت بخشد (ص ۲۷- کتاب وحدت و جود- فضل ا... ضیاء نور) اسپینوزا نیز که از طرفداران جدی وحدت هستی است گوید سلسله موجودات و علل و معلولات مانند زنجیر به هم پیوسته اند و جهان از مبدا وجود منفصل و جدا نیست فکر و بعد مطلق، پشت و روی یک واقعیت اند و پرتوئیک وجود حکمای الهی و عرفا و طبیعت شناسان و علمای روانشناس هر کدام در موضوعات علمی مربوط به خود در جستجوی وحدت بوده‌اند. طبیعت شناسان، وحدت ماده را

بررسی کرده‌اند و روانشناسان وحدت نفسانیات را و الهیون و عرفا وحدت وجود را به شکل کلی آن و در مظاهر گوناگون بررسی کرده‌اند. (ص ۲۸ کتاب وحدت وجود. فضل... ضیاء نور)

وحدت وجود نزد حکمای یونانی نیز وجود داشته است. پارمیندس نیز به پیروی از استادش (گزنفانس) به یکی بودن هستی اذعان داشته: گوید وجود نه آغاز دارد نه انجام پیوسته و نامحدود است. و خردمند جز به یک وجود که کل وجود، وجود کل است معتقد نخواهد بود. وی برای ازلی بودن وجود و ابدیت آن چنین استدلال کرده است که: اگر وجود حادث باشد یا از وجود برآمده یا از عدم، اگر از وجود برآمده باشد، از خود برآمده در نتیجه، به بی‌آغازی منتهی می‌شود و اگر بگوید از عدم برآمده چنین فرض مورد قبول عقول نیست. (ص ۸۵ وحدت وجود فضل... ضیاء نور) همین‌طور وحدت وجود نزد حکمای فرس بدین قرار است: هستی در نظر حکمای مزبور حقیقتی یگانه است که دارای مراتب مختلفی از قوت و ضعف و تقدم و تاخر و غنا و فقر بوده، همچون نور خورشید و ماه و ستاره و غیره که همه در داشتن دومین مشترک از یک سنخ و تفاوت و امتیازشان به شدت و ضعف نور و روشنی آنهاست وجود از این نظر به نور شبیه شده که نور خود به خود روشن و روشنی دیگر چیزها بوده است وجود هم بخود موجود و ظهور ماهیات (وجودیت آنها) از اوست، بلکه خود حقیقت نور است، چنانکه شیخ اشراق که فلسفه خود را پیروی از حکمای شرق و فرس بر علم بنا نهاده است در تعریف نور می‌گوید: (ان النور هو الظاهر فی حقیقه نفسه المظهر لغیره فی ذاته) در فلسفه زرتشت مساله تنویت پیش می‌آید و مساله شر که عدمی است. وحدت وجود نزد حکمای نو افلاطونی: فلوطین اساس فلسفه اش بر وحدت وجود استوار است یعنی واحد را وجود حقیقی و «احدیت» را که اصل و مبداء هستی شمرده و او را در صورت مطلق به فعل تام و مطلق نامیده و موجودات را فیض و تراوشی از او دانسته است که دوباره بدو باز می‌گردند. وی معتقد که خداوند مافوق وجود است و قابل تصور نیست و راه رسیده فقط کشف و شهود است (ص ۹۲ همان) و در نهایت به مساله وحدت وجود نزد ابن عربی که در جهان اسلام نخستین داعیه دار

وحدت وجود است و همین طور در جهان یهودیت وحدت وجود را از منظر اسپینوزا مورد بررسی قرار خواهیم داد. و به بررسی این مساله می پردازیم که این دو از یک سنخند؟

فصل اول

زندگی نامه ابن عربی

ابوبکر محمد بن علی از قبیله‌ی حاتم طایی معروف به ابن عربی در شبی خاص یعنی شب دوشنبه هفدهم ماه رمضان المبارک که فرقه اسماعیلیه آن زمان را عید قیامت می‌خواندند متولد شد.^۱ «به گفته خود ابن عربی اولین پیرو مرشد او عیسی بن مریم است وهو (عیسی) شیخنا الاول رجعنا علی یدیه و له بنا عنایه عظیمه لایغفل عناساعه واحده وارجو ان ندرک زمان نزوله^۲» اگر حضرت محمد در سیر و سلوک و طی طریقت مقتدای ابن عربی بود و او در این موارد از حضرت رسول تبعیت می‌کرد در عوض این حضرت مسیح بود که در واقعه‌های بسیار و مکاشفه و شهودهای فراوان و مشاهد متبرکه و منازل سلوک به او جرأت می‌بخشید و او را هدایت می‌فرمود.^۳ کرامات مادرش که تا پایان دارای آن مقام بود و ابن عربی به شدت تحت تاثیر آن کرامات قرار گرفت و ازدواج او با زن پرهیزگار و با تقوایی چون «مریم بنت عبدون بن عبدالرحمان البجائی» که نمونه‌ای از زن‌های با تقوا و پرهیزگار بود و بهترین یاور ابن عربی در مشکلات بود و نصایح او اهمیت بسیاری در زندگی ابن عربی داشته است.^۴

در عزت و شرف ابن عربی شاید این نکته کافی باشد که جد اعلای مرد کریم و بخشنده ای است بنام «حاتم طایی» که رسول خدا محمد مصطفی (ص) وی را ستوده است.^۵ ابن عربی دچار بیماری می‌شود و پدرش بالای سر او سوره یاسین می‌خواند و او شفا می‌یابد. چنان که خود در فتوحات می‌گوید: «من بیمار شدم، سپس به حالت اغما افتادم، چنان که در شمار مردگان شمرده شدم، در آن حال قومی زشت سیما می‌دیدم که قصد آزار مرا داشتند و هم چنین شخص زیبا و بسیار خوشبویی را می‌دیدم که او آنها را از من دور می‌ساخت، تا بر آنان چیره شد. پس من از آن حالت بیهوشی به هوش آمدم و در آن هنگام پدرم رحمه ... ، را در کنار سرم دیدم که اشک می‌ریزد و

۱. ابن عربی. کاظم محمدی. صفحه ۱۳

۲. فتوحات. ابن عربی ۳۴۱/۳ یعنی حضرت مسیح؟ شیخ ما بود که ما به دست وی رجوع به حق نمودیم و او را به ما عنایتی بس عظیم است که ساعتی از ما غافل نمی‌شود و آرزو داریم که زمان نزول اجلالش را درک نماییم.

۳. سفر بی بازگشت. کلودعداس ص ۵۳

۴. شرح نقش الفصوص. عبدالرضا مظاهری ص ۱۵

۵. ابن عربی. کاظم محمدی. ص ۱۵

سوره ی یاسین می خواند، البته سوره را تمام کرده بود، من آنچه را که دیده بودم به او خبر دادم.^۱ ابن عربی هم در عالم غرب اسلامی به سفر می پرداخت و از اساتید آنجا دیدن کرده بود و کسب فیض می کرد و اجازه نقل حدیث گرفته و هم به عالم شرق اسلامی سفر کرده بود. او دارای تالیفات بسیار زیادی می باشد که شاید بتوان گفت از عالمان اسلامی است که از همه بیشتر دارای تالیفات است و تالیفات او هم فقط به یک حوزه خاص که آن هم عرفان اسلامی است مربوط می باشد. و در آن حوزه، غور و تفکر پرداخته است.

شعرانی از باب صد و نود و هشتم فتوحات مکیه نقل کرده است که: «جمع حروف مقطعه اوایل سور قرآن اسماء ملائکه هستند و من با آنها در برخی وقایع اجتماع کردم و هر یک از آنها به من علمی آموختند که نمی دانستم، پس آنها از جمله شیوخ من هستند»^۲

از جمله مشایخی که او به دیدار آنها در اشبیلیه رفته عبارتند از: ابوالعباس عرینی - ابویعقوب یوسف بن یخلف الکومی - ابو عمران موسی سدرانی - ابویحیی صنهاجی ضریر و ... است. ابن عربی در سفرش به مکه با شیخ مکین الدین ابوشجاع زاهد بن رستم بن ابی الرجای اصفهانی آشنا می شود. و از او و خواهر سالخوره مکین الدین اجازه نقل روایت می گیرد. شیخ مکین الدین را دختری بوده زیبا و پارسا و دانا موسوم به «نظام» و ملقب به عین الشمس و البهاء که در تقوا و پارسایی، خصایل پسندیده رفتار سنجیده و کمالات اخلاقی و زیباییهای جسمانی، فریده عصر، یتیمه دهر و یگانه روزگارش بوده است.^۳ ابن عربی ترجمان الاشراف را در وصف نظام سروده است و به همین خاطر بر او خرده گرفتند که از شیخی با این عظمت این عاشقی و دلدادگی چرا؟ به همین خاطر بعداً ابن عربی بر ترجمان الاشواق شرحی عرفانی نوشت و تمام توصیفات که از ظواهر نظام کرده بود همه را تاویل و رمز عرفانی گرفت. و گفت منظور و مقصود من معشوق حقیقی و لایزال حضرت حق تعالی است او به مصر و اسکندریه سفر می کند و با شیوخی همچون ابن اسید ابومحمد عبدا... بن محمد

^۱. فتوحات مکیه. ابن عربی. ص ۱۷

^۲. همان. جلد ۳

^۳. همان ص ۶۹

بن سید بطلیوسی و ابن طفیل ابوبکر محمد بن عبدالملک و ابن رشد ابوالولید محمد بن احد (۵۲۰-۵۹۵) دیدار داشته است.

ابن عربی می گوید: «اهل طریق در مسئله وحدت وجود متفقند و مانع و مخالف آن تنها اهل نظر و استدلالند که از علمای رسومند و از ذوق در احوال بی بهره و بی نصیبند و اگر چه در میان آنان هم بندرت حکیم صاحب ذوقی، همچون افلاطون الهی پدیدار گشته است که همان راه اهل کشف و شهود را پیموده است و کسانی از اهل اسلام که به او کراهت داشته اند به جهت نسبت وی به فلسفه بوده است که آنان معنای فلسفه را به خوبی ندانسته و از این نکته غافل شده اند که فلسفه همان حکمت است و حکمت علم نبوت است و همان حکما هستند که در حقیقت عالمان به خدا و به هر چیزی و به منزلت آن چیز معلوم هستند و معنای فیلسوف محب حکمت است زیرا سوفیا در زبان یونانی همان حکمت و به قولی هم محبت است. و هر عاقلی دوستدار حکمت است اما خطای اهل فکر و نظر در مورد الهیات از صوابشان بیشتر است، چه فیلسوف باشد، چه معتزلی چه اشعری و یا دیگر از اصناف اهل نظر.»

در ریشه های تفکر ابن عربی باید گفت: جهان بینی ابن عربی متأثر از فضای اجتماعی و معنوی شرق اسلامی (سوریه و عراق و ایران) و علاوه بر غرب اسلامی نیز هست که از سنتهای عرفانی ریشه دارد دیرپایی برخوردار شده است در این فضا، اندیشه های یونانی، نوافلاطونی، غنوصی، عقاید معتزلیان، اخوان الصفا و گرایشهای فلسفی ارسطویی مشایی و اشرافی رواج داشته است.^۱ ابن عربی تا جایی پیش می رود که تثلیت مسیحی را توجیه نظریه وحدت وجود خود می کند. و می گوید اولین عدد فرد نزد علمای اسلامی ۳ است و تثلیت را با توحید یکی می داند.

جامی، ابن عربی را «قدوه و پیشوای قائلان به وحدت وجود» شمرده است. بعضی از متفکران غربی نیز معتقدند که در میان افکار اصلی ابن عربی آنچه دامنه اش از همه وسیع تر بوده و بقیه در حکم زیر مجموعه ای آن محسوب می شوند، وحدت وجود است. مفهوم وحدت وجود مفهومی کاملاً

^۱. فتوحات مکیه. ابن عربی. جلد ۳